



ولي امر مسلمين : هوشيار باشيد پشت لبخند غربي ها خيانت نهفته است

رهبر معظم انقلاب اسلامي در نخستين اجلاس بيداري اسلامي، به بررسي هويت قيام ها و انقلاب منطقه پرداخته و در خصوص مخاطرات پيش روي انقلاب ها و راهكارهاي پيش گيري از آسيب ها بياناتي را ايراد كردند.

خطاب به ملت هاي منطقه

ولي امر مسلمين : هوشيار باشيد پشت لبخند غربي ها خيانت نهفته است

رهبر معظم انقلاب اسلامي در نخستين اجلاس بيداري اسلامي، به بررسي هويت قيام ها و انقلاب منطقه پرداخته و در خصوص مخاطرات پيش روي انقلاب ها و راهكارهاي پيش گيري از آسيب ها بياناتي را ايراد كردند.

مشروح بيانات حضرت آيت الله خامنه اي به اين شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

السلام عليكم و رحمه الله و برکاته

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام علي سيدنا محمد و آله الطيبين و صحبه المنتجبين قال الله العزيز الحكيم: بسم الله الرحمن الرحيم يا ايها النبي اتق الله و لا تطع الكافرين و المنافقين ان الله كان عليما حكيما و اتبع ما يوحى اليك من ربك ان الله كان بما تعلمون خبيرا و توكل علي الله و كفي بالله وكيلا [احزاب]

به حضار گرامي و ميهمانان عزيز خوشامد مي گويم. آنچه ما را در اينجا گردآورده بيداري اسلامي است يعني حالت برانگيختگي و آگاهي اي در امت اسلامي كه اکنون به تحولي بزرگ در ميان ملت هاي اين منطقه انجاميده و قيامها و انقلابهاي را پديد آورده كه هرگز در محاسبه شياطين مسلط منطقه اي و بين المللي نمي گنجيد؛ خيزشهاي عظيمي كه حصارهاي استبداد و استكبار را ويران و قواي نگهبان آنها را مغلوب و مقهور ساخته است.

شك نيست كه تحولات بزرگ اجتماعي، همواره متكي به پشتوانه هاي تاريخي و تمدني و محصول تراكم معرفتها و تجربه ها است. در صد و پنجاه سال اخير حضور شخصيت هاي فكري و جهادي بزرگ و جريان ساز اسلامي در مصر و عراق و ايران و هند و كشورهاي ديگري از آسيا و آفريقا، پيش زمينه هاي وضع كنوني دنياي اسلامند.

همچنان كه تحولات دهه هاي پنجاه و شصت ميلادي در تعدادي از اين كشورها كه به رژيم هاي غالباً متمايل به تفكرات و ايدئولوژيهاي مادي منتهي شد و به اقتضاي طبيعت خود پس از چندي در دام قدرت هاي استكباري و استعماري غرب گرفتار آمد، تجربه هاي درس آموزي اند كه سهم و افري در شكل دادن به اندیشه عمومي و عميق كنوني دنياي اسلام دارند.

ماجرای انقلاب كبير اسلامي در ايران كه در آن به تعبير امام خميني عظيم، خون بر شمشير پيروز شد و تشكيل نظام ماندگار و مقتدر و شجاع و پيش رونده جمهوري اسلامي و تأثیر آن در بيداري اسلامي امروز، نيز خود داستان مفصل و درخور بحث و تحقيقي است كه يقيناً فصل مشبعي در تحليل و تاريخ نگاري وضعيت كنوني دنياي اسلام را به خود اختصاص خواهد داد.

حاصل آنكه حقايق رو به افزايش كنوني در دنياي اسلام، حوادث بريده از ريشه هاي تاريخي و زمينه هاي اجتماعي و فكري نيستند تا دشمنان يا سطحي نگران بتوانند آن را موجي گذرا و حادثه اي در سطح بيانگاران و با تحليل هاي انحرافي و غرض آلود، مشعل اميد را در دل ملت ها خاموش سازند.

من در اين گفتار برادرانه مي خواهم بر روي سه نقطه اساسي درنگ كنم:

1- نگاهی اجمالي به هويت اين قيامها و انقلاب ها.

2- خطرات و آسيب هاي بزرگي كه بر سر راه آن قرار دارد.

3- پيشنهادهائي در علاج جوئي و پيشگيري از آسيب ها و خطر ها.

1- در موضوع اول، به نظر من مهمترين عنصر در اين انقلابها، حضور واقعي و عمومي مردم در ميدان عمل و صحنه مبارزه و جهاد است، نه فقط با دل و خواست و ايمان نشان، بلكه علاوه بر آن، با جسم و نشان. فاصله عميقي است ميان چنين حضوري با قيامي كه به وسيله يك جمع نظامي يا حتي يك گروه مبارز مسلح در برابر چشمان بي تفاوت مردم يا حتي مورد رضايت آنان انجام مي گيرد.

در حوادث دهه پنجاه و شصت در تعدادي از كشورهاي آفريقا و آسيا، بار سنگين انقلاب را نه قشرهاي گوناگون مردم و جوانان از همه جاي كشورها، بلكه دستجات كودتاگر يا هسته هاي كوچك و محدود مسلح بر دوش داشتند. آنها تصميم گرفتند و عمل كردند و آنگاه كه خودشان يا نسل پس از آنها بر اثر انگيزه ها و عوامل قابل شمارش، راه خود را عوض كردند، انقلابها به ضد خود تبديل شد و دشمن بار ديگر بر آن كشورها تسلط يافت.

اين بكلي متفاوت است با تحولي كه بر دوش توده مردم است و آنهايند كه جسم و جان خود را به ميدان مي آورند و با مجاهدت و فداكاري، دشمن را از صحنه بيرون مي رانند.

در اينجا اين مردم اند كه شعارها را مي سازند، هدفها را معين مي كنند، دشمن را شناسائي و معرفي و تعقيب مي كنند، آينده مطلوب را- اگرچه به اجمال- ترسيم مي كنند، و در نتيجه اجازه انحراف و سازش با دشمن و تغيير مسير را به خواص سازشكار و آلوده و به طريق اولي به عوامل نفوذی دشمن نمي دهند.

در حرکت مردمی ممکن است کار انقلاب با تأخیر انجام گیرد، ولی از سطحی گری و ناپایداری به دور است، کلمه طیبه ای است مصداق کلام خداوند که فرمود:

الم تر كيف ضرب الله مثلاً كلمه طيبه كشجره طيبه اصلها ثابت و فرعها في السما (ابراهيم-42)

من وقتی پیکر دلاور ملت پرافتخار مصر را از تلویزیون در میدان تحریر دیدم یقین کردم که این انقلاب پیروز خواهد شد. حقیقتی را بگویم: پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی در ایران که زلزله عظیمی را در حکومت های دنیاطلبان شرق و غرب پدید آورد و ملت های مسلمان را در جوش و خروشی بی سابقه انداخت، ما غالباً انتظار داشتیم که مصر پیش از همه جا، به پا خیزد. سابقه جهاد و روشنفکری و تربیت شخصیت های بزرگ مجاهد و متفکر در مصر، این توقع را در دل ما برمی انگیزت. اما از مصر صدای واضحی شنیده نمی شد. من در دل، خطاب به ملت مصر این شعر ابوفراس را زمزمه می کردم:

اراک عصي الدمع شيمتك الصبر- اما للهوي نهي عليك ولا امر...؟ وقتی ملت مصر را در میدان تحریر و میادین دیگر شهرهای مصر دیدم، پاسخ خود را شنیدم. ملت مصر با همان زبان دل به من می گفت: بلی انا مشتاق و عندي لوعه - ولكن مثلي لايداع له سر... این سر مقدس یعنی انگیزه و عزم قیام، به تدریج در ذهنیت ملت مصر قوام یافت و شکل گرفت و در لحظه مناسب تاریخی، عربان در صحنه ای پرشکوه به میدان آمد.

تونس و یمن و لیبی و بحرین هم دقیقاً محکوم به همین حکم اند، و منهم من ينتظر و ما بدلوا تبديلاً. در چنین انقلاب هائی، اصول و ارزشها و هدفها، نه در مانیفست های پیش ساخته گروه ها و حزبها، بلکه در ذهن و دل و خواست آحاد مردم حاضر در صحنه، نگاشته و در قالب شعارها و رفتارهای آنان اعلام و تثبیت می شود. با این محاسبه به روشنی می توان تشخیص داد که اصول انقلابیای کنونی منطقه، مصر و دیگر کشورها، در درجه اول اینها است: - احیاء و تجدید عزت و کرامت ملی که در طول زمان با دیکتاتوری حاکمان فاسد و با سلطه سیاسی آمریکا و غرب، در هم شکسته و پایمال شده است.

- برافراشتن پرچم اسلام که عقیده عمیق و دلبستگی دیرین مردم است و برخورداری از امنیت روانی و عدالت و پیشرفت و شکوفایی ای که جز در سایه شریعت اسلامی به دست نخواهد آمد. - ایستادگی در برابر نفوذ و سلطه آمریکا و اروپا که در طول دو قرن بیشترین لطمه و خسارت و تحقیر را بر مردم این کشورها وارد آورده اند.

- مبارزه با رژیم غاصب و دولت جعلی صهیونیست که استعمار چون خنجری در پهلوی کشورهای منطقه فرو برده و وسیله ای برای ادامه سلطه اهریمنی خود ساخته و ملتی را از سرزمین تاریخی خود بیرون رانده است.

بی شک این حقیقت که انقلابهای منطقه متکی به این اصول و خواستار تحقق آنها است، مورد پسند آمریکا و غرب و صهیونیسم نیست و آنها همه تلاش خود را به کار می برند تا آن را انکار کنند، ولی واقعیت با انکار آن دگرگون نمی شود. مردمی بودن این انقلابها مهمترین عنصر در تشکیل هویت آنها است. قدرت های خارجی که با آخرین توانائیها و شگردهای خود سعی می کردند حکام مستبد و فاسد و وابسته را در این کشورها حفظ کنند و تنها هنگامی از حمایت آنها دست برداشتند که قیام و عزم مردم، هیچگونه امیدی برای آنها باقی نگذاشت، حق ندارند خود را در پیروزی این انقلابها سهیم بدانند. در جایی مانند لیبی هم، ورود و دخالت آمریکا و ناتو نمی تواند حقیقت را مشوب کند. در لیبی، ناتو ضایعه های بی جبران آفریده است.

اگر دخالت نظامی ناتو و آمریکا نبود، ممکن بود مردم اندکی دیرتر پیروز شوند ولی در عوض این همه زیرساخت نابود نمی شد، این همه نفوس بی گناه از زنان و کودکان کشته نمی شدند و آنگاه دشمنانی که خود سالها همراه و همدست قذافی بوده اند مدعی حق دخالت در این کشور مظلوم و جنگ زده، نمی شدند.

مردم و نخبگان مردمی و کسانی که از مردم برآمده اند، خود صاحبان این انقلابها و متعهد به حراست از آن و ترسیم کننده مسیر آینده و رو به تکامل آن می باشند و خواهند بود ان شاءالله.

2- در موضوع آسیب ها و خطرها ... نخست باید تاکید کنم که خطر هست ولی راه مصونیت از آن نیز هست. توجه به خطر نباید ملتها را بترساند. بگذارید دشمنانان از شما بترسند و بدانید که: ان کید الشيطان کان ضعيفاً. خداوند درباره گروهی از مجاهدان صدر اسلام می فرماید: الذين قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لكم فاخشوهم فزادهم ايماناً و قالوا حسبنا الله و نعم الوكيل. فانقلبوا بنعمه من الله و فضل لم يمسسهم سوء و اتبعوا رضوان الله و الله ذو فضل عظيم.

خطرها را باید شناخت تا در مواجهه با آن حیرت و تردید پیش نیاید و چاره و علاج، شناخته شده باشد.

ما با این خطرها پس از پیروزی انقلاب اسلامی روبرو شدیم و آنها را شناختیم و تجربه کردیم و بخواست خدا و رهبری امام خمینی و بصیرت و فداکاری مردمان از بیشتر آنها به سلامت گذشتیم، البته توطئه ها از سوی دشمن و عزم راسخ از سوی ملت، همچنان ادامه دارد.

من این آسیب ها را به دو قسم تقسیم می کنم: آنها که در درون خود ما ریشه دارد و از ضعفهای ما برمی خیزد، و آنها که دشمن بطور مستقیم آن را برنامه ریزی می کند.

دسته اول، چیزهائی از این قبیل است: احساس و گمان اینکه با سقوط حاکم وابسته و فاسد و دیکتاتور، کار تمام شد. راحتی خیال ناشی از احساس پیروزی و به دنبال آن کم شدن انگیزه ها و سست شدن عزمها، نخستین خطر است، و آنگاه این خطر مهیب تر می شود که اشخاص درصدد تصاحب سهم ویژه در غنیمت به دست آمده باشند.

ماجرای جنگ احد و غنیمت جوئی مدافعان تنگه که به شکست مسلمانان انجامید و مجاهدان از سوی خداوند متعال سرزنش شدند، يك نمونه نمادین است که هرگز نباید از یادها برود. مرعوب شدن از هیمنه ظاهری مستکبران و احساس ترس از آمریکا و دیگر

قدرتهای مداخله گر آسیب دیگری از این دسته است که باید از آن پرهیز کرد. نخبگان شجاع و جوانها باید این ترس را از دلها بیرون کنند.

اعتماد به دشمن و در دام لیخندها و وعده ها و حمایتهای آنها افتادن نیز آسیب بزرگ دیگری است که بطور ویژه باید پیشروان و نخبگان از آن برحذر باشند. دشمن را با علامتاش در هر لباس باید شناخت و از کید او که در مواردی در پس ظاهر دوستی و کمک پنهان می شود باید ملت و انقلاب را مصون ساخت. روی دیگر این صفحه، مغرور شدن و دشمن را غافل دانستن است؛ شجاعت را باید با تدبیر و حزم در هم آمیخت. در مقابل شیطان، جن و انس، باید همه ذخائر الهی در وجود خود را به کار گرفت. ایجاد اختلاف و به جان هم انداختن انقلابیون و رخنه در پشت جبهه مبارزه، نیز آفتی بزرگ است که با همه توان باید از آن گریخت.

آسیبهای دسته دوم را غالباً ملتهای این منطقه در حوادث گوناگون آزموده اند، نخستین آسیب، بر روی کار آوردن عناصری است که خود را متعهد به آمریکا و غرب می دانند. غرب می کوشد پس از سقوط ناگزیر مهره های وابسته، اصل سیستم و اهرمهای اصلی قدرت را حفظ کند و سر دیگری را بر روی این بدن بگذارد و بدین وسیله سلطه خود را همچنان ادامه دهد. این به معنای هدر رفتن همه تلاشها و مجاهدتهاست. در این مرحله اگر با مقاومت و هشیاری مردم مواجه شوند، می کوشند تا بدیل های انحرافی گوناگون در پیش پای نهضت و مردم بگذارند. این سناریو می تواند پیشنهاد مدلهای حکومتی و قانون اساسی هایی باشد که کشورهای اسلامی را بار دیگر در دام وابستگی فرهنگی و سیاسی و اقتصادی به غرب بیفکند، و می تواند نفوذ میان انقلابیون و تقویت مالی و رسانه ای یک جریان نامطمئن و به حاشیه راندن جریانهای اصلی در انقلاب باشد. این نیز به معنی بازگرداندن سلطه غرب و تثبیت مدلهای نوسازی شده غربی و بیگانه از اصول انقلاب و در نهایت، تسلط بر اوضاع است.

اگر این تاکتیک نیز به نتیجه نرسد، تجربه ها به ما می گوید که آنگاه روش هایی چون هرج و مرج و تروریزم و جنگ داخلی میان پیروان ادیان یا قومیتها یا قبائل و احزاب و یا حتی میان ملتها و دولتهای همسایه، و همراه با آن، حصر اقتصادی و تحریم و بلوکه کردن سرمایه های ملی و نیز هجوم همه جانبه تبلیغاتی و رسانه ای را در پیش خواهند گرفت. مقصود آنان از این همه، خسته و نومید کردن مردم و مردد و پشیمان کردن مبارزان است. که می دانند در این صورت، شکست دادن انقلاب، ممکن و آسان خواهد شد. ترور نخبگان صالح و موثر یا بدنام کردن برخی از آنان و از سویی خریدن کسانی از سست عنصران، نیز در شمار روشهای متداول قدرتهای غربی و مدعیان تمدن و اخلاق است.

در ایران اسلامی، اسناد لانه جاسوسی که به دست انقلاب افتاد، نشان داد که همه این توطئه ها، بدقت از سوی رژیم ایالات متحده آمریکا برای ملت ایران برنامه ریزی شده بود. برای آنان بازگرداندن ارتجاع و استبداد و حاکمیت وابسته در کشورهای انقلابی، اصلی است که همه این روشهای کثیف را تجویز می کند.

3- آخرین بخش سخنانم، توصیه هایی را بر اساس تجربه عینی خودمان در ایران و آنچه از مطالعه دقیق دیگر کشورها به دست آمده است، در معرض دید و تشخیص و انتخاب شما میگذارم. شک نیست که شرائط ملتها و کشورها در همه چیز یکسان نیست ولی بیناتی وجود دارد که میتواند برای همه مفید باشد.

اولین سخن آن است که با توکل به خداوند و اعتماد و حسن ظن به وعده های مؤکد نصرت الهی در قرآن و بکارگیری خرد و عزم و شجاعت، میتوان بر همه این موانع فائق آمد و پیروزمندانه از آنها عبور کرد. البته کاری که شما بدان همت گماشته اید بسی بزرگ و سرنوشت ساز است، پس باید زحمات بزرگ را هم بخاطر آن تحمل کرد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرموده است: فان الله لم یقصر جباري دهرق الا بعد تمهیل و رءاء و لم یجبر عظم احد من الامم الا بعد ازل و بلاء و فی دون ما استقبلتم من عتب و ما استدبرتم من خطب معتبر.

توصیه مهم آن است که خود را همواره در میدان بدانید: فاذا فرغت فانصب، همیشه خداوند را حاضر و کمک کار خود بدانید؛ و الی ربك فارغب، و پیروزیها ما را دچار غرور و غفلت نکند: اذا جاء نصرالله والفتح و رأیت الناس یدخلون فی دین الله افواجا فسیح بحمد ربك و استغفره انه كان توابا اینها پشتوانه های حقیقی یک ملت مؤمن است.

توصیه دیگر، بازخوانی دائمی اصول انقلاب است. شعارها و اصول باید تنقیح و با مبانی و محکمت اسلام تطبیق داده شوند. استقلال، آزادی، عدالتخواهی، تسلیم نشدن در برابر استبداد و استعمار، نفی تبعیضهای قومی و نژادی و مذهبی، نفی صریح صهیونیزم. اینها ارکان نهضت های امروز کشورهای اسلامی است و همه برگرفته از اسلام و قرآن است.

اصولتان را روی کاغذ بنویسید: اصلتهای خود را با حساسیت بالا حفظ کنید؛ نگذارید اصول نظام آینده شما را دشمنان شما بنویسند؛ نگذارید اصول اسلامی در پای منافع زودگذر قربانی شود. انحراف در انقلابها از انحراف در شعارها و هدفها، آغاز میشود. هرگز به آمریکا و ناتو و به رژیمهای جنایتکاری چون انگلیس و فرانسه و ایتالیا که زمانی دراز سرزمین شما را میان خود تقسیم و غارت کردند اعتماد نکنید؛ به آنها سوءظن داشته باشید و لبخند آنها را باور نکنید؛ پشت این لبخندها و وعده ها، توطئه ها و خیانت نهفته است. راه حل خود را خود با بهره گیری از سرچشمه فیاض اسلام به دست آورید و نسخه های بیگانه را به خودشان پس دهید.

توصیه مهم دیگر پرهیز از اختلافات مذهبی، قومی، نژادی، قبیله ای و مرزی است. تفاوتها را به رسمیت بشناسید و آن را مدیریت کنید. تفاهم میان مذاهب اسلامی کلید نجات است. آنها که آتش تفرقه مذهبی را با تکفیر این و آن دامن میزنند، اگر خودشان هم ندانند مزدور و عمله شیطانند.

نظام سازی کار بزرگ و اصلی شما است. این کاری پیچیده و دشوار است. نگذارید الگوهای لائیک یا لیبرالیسم غربی، یا ناسیونالیسم افراطی، با گرایشهای چپ مارکسیستی خود را بر شما تحمیل کند.

اردوگاه شرق چپ فرو ریخت و بلوک غرب فقط با خشونت و جنگ و خدعه بر سر پامانده و عاقبت خیری برای آن متصور نیست.

گذشت زمان به زبان آنها و به سود جریان اسلام است.

هدف نهائی را باید امت واحده اسلامی و ایجاد تمدن اسلامی جدید بر پایه دین و عقلانیت و علم و اخلاق، قرار داد. آزادی فلسطین از چنگال درنده صهیونیستها نیز هدفی بزرگ است. کشورهای بالکان و قفقاز و آسیای غربی پس از هشتاد سال از چنگال شوروی سابق نجات یافتند؛ چرا فلسطین مظلوم نتواند پس از هفتاد سال از اسارت صهیونیستهای ظالم نجات یابد؟ نسل امروز کشورهای اسلامی این ظرفیت را دارد که به چنین کارهای بزرگی بپردازد. نسل جوان امروز مایه افتخار نسلهای پیشین خویش است. بقول شاعر عرب:

قالوا: ابوالصخر من شیبان قلت لهم كلا لعمری ولكن منه شیبان

و کم آب قد علا یابن دري شرف کما علا برسول الله عدنان

به نسل جوان خود اعتماد کنید، روح اعتماد به نفس را در آنان زنده کنید، و از تجربه های مجربان و پیران، آنها را بهره مند سازید. دو نکته مهم در اینجا وجود دارد: اول آنکه ملتهای انقلاب کرده و آزاد شده یکی از مهمترین خواسته هایشان حضور و نقش قاطع مردم و آرائشان در مدیریت کشور است، و چون مؤمن به اسلامند، پس مطلوب آنان ««نظام مردمسالاری اسلامی»؛ است، یعنی حاکمان با رأی مردم برگزیده می شوند و ارزشها و اصول حاکم بر جامعه، اصول مبتنی بر معرفت و شریعت اسلامی است. این خود می تواند در کشورهای گوناگون به اقتضای شرائط، با شیوه ها و شکل های گوناگون تحقق یابد ولی با حساسیت کامل باید مراقب بود که این با دموکراسی لیبرال غربی اشتباه نشود. دموکراسی لائیک و در مواردی ضد مذهب غربی با مردمسالاری اسلامی که متعهد به ارزشها و خطوط اصلی اسلامی در نظام کشور است، هیچ نسبتی ندارد.

نکته دوم آن است که اسلامگرایی نباید با تحجر و قشری گری و تعصبات جاهلانه و افراطی مشتبه گردد. مرز میان این دو نیز باید پررنگ باشد. افراطهای مذهبی که غالباً با خشونت کور همراه است، عامل عقب ماندگی و دور شدن از هدفهای والای انقلاب است، و این به نوبه خود مایه جداسدن مردم و در نتیجه شکست انقلاب خواهد بود.

خلاصه کنم: سخن از بیداری اسلامی، سخن از یک مفهوم نامشخص و مبهم و قابل تأویل و تفسیر نیست؛ سخن از یک واقعیت خارجی مشهود و محسوس است که فضا را انباشته و قیامها و انقلابهای بزرگی را پدید آورده و مهره های خطرناکی از جبهه دشمن را ساقط کرده و از صحنه بیرون رانده است. با این حال، صحنه همچنان سیال و نیازمند شکل دادن و به سرانجام رساندن است. آیاتی که در طلیعه سخن تلاوت شد دستور العمل کامل و کارسازی است؛ برای همیشه و بویژه در این برهه حساس و سرنوشت ساز. خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است، ولی در واقع ما همگی بدان مخاطب و مکلفیم. در این آیات، تقوا با همان معنی بلند و گسترده اش، اولین توصیه است، و سپس سرپیچیدن از فرمانبری کافران و منافقان، و پیروی از وحی الهی، و سرانجام توکل و اعتماد به خداوند...

بار دیگر این آیات را مرور کنیم: بسم الله الرحمن الرحیم یا ایها النبی اتق الله و لاتطع الکافرین و المنافقین ان الله کان علیما حکیما و اتبع ما یوحى الیک من ربک ان الله کان بما تعملون خبیرا و توکل علی الله و کفی بالله وکیلا.

والسلام علیکم و رحمہ الله

بیداری اسلامی، ملت های مسلمان را از اسارت

رها می سازد

دبیر کل نخستین همایش بین المللی بیداری اسلامی نیز در این همایش با بیان اینکه جنبش بیداری اسلامی خواستار تعامل عادلانه و عزت مندانه با جهان است، افزود: فلسطین و مقاومت به عنوان اصلی ترین مسئله جهان اسلام به یکی از ارکان بیداری اسلامی تبدیل شده است.

دکتر علی اکبر ولایتی در مراسم افتتاحیه این همایش ادامه داد: موج جدید بیداری اسلامی که موجب سرافرازی ملت های مسلمان شده و ما را گرد هم آورده، ریشه در قرآن، سنت و تکیه بر حضور مردم در عرصه های سیاسی و اجتماعی دارد.

دبیرکل نخستین اجلاس بین المللی بیداری اسلامی گفت: این باور ایمانی به همراه خودباوری منبع الهام بخش جنبش های کنونی در کشورهای اسلامی بوده است و اراده مردم در تعیین سرنوشت خویش مردمسالاری دینی را به ارمغان آورده است.

وی ادامه داد: این حرکت عظیم و پرشور خواستار تعامل عادلانه و عزت مند با جهان است و بر استقلال سیاسی خود تأکید کرده و هرگونه سلطه گری و سلطه پذیری را نفي می کند.

مشاور مقام معظم رهبری در امور بین الملل تصریح کرد: بیداری اسلامی خودآگاهی گسترده و عمیقی است که می کوشد ملت های مسلمان را از اسارت فکری، سیاسی و اقتصادی رها ساخته و عزت و پیشرفت و همدلی را بین آحاد اسلامی محقق سازد.

وی افزود: فلسطین و قدس شریف و مقاومت به عنوان اصلی ترین مسئله جهان اسلام به یکی از ارکان بیداری اسلامی تبدیل شده است.

ولایتی افزود: در آستانه این تحولات بنیادین رهبر انقلاب در استمرار اندیشه حضرت امام خمینی(ره) احیاگر بزرگ اسلامی در تاریخ معاصر، با بصیرت و دوراندیشی بیداری اسلامی را به مسلمانان جهان بشارت دادند و این گردهمایی جز در پی رهنمودهای ایشان میسر نبود.

دبیرکل همایش بین المللی بیداری اسلامی با تشکر از نهادهای سازمانها و شخصیت هایی که در برپایی این اجلاس مشارکت داشتند، یادآور شد: اجلاس مذکور با حضور بیش از 007 نفر از اندیشمندان، علما و رهبران مقاومت از سراسر جهان اسلام برگزار می شود.

وی در پایان گفت: در این اجلاس در 5 نشست تخصصی مهمترین دستاوردها، فرصت ها، چالش ها و افق های آینده جنبش بیداری اسلامی مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

